

Role and Impact of Historical Studies in Quran's Interpretation Based on Ayatollah Khamenei's Interpretive Method

Mehdi Esmacili Sadrabady *

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran

Sara Heidari

Ph.D student of Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Abstract

History and interpretation are two essential elements in developing a deeper understanding of Quranic propositions. In this regard, both history and interpretation must be authoritative so that they would not lead to misunderstanding. Furthermore, interpretation and history have a reciprocal relationship. There exists a reciprocal relationship between historical context and Quranic interpretation. In certain instances, historical data enhances the comprehension of Quranic verses, while in other instances, the interpretation of the Quran sheds light on historical events. This research, using a descriptive-analytical method, seeks to examine the reciprocal role and impact of historical research and Quranic interpretation, relying on the interpretive views of Ayatollah Khamenei. The findings show that historical interpretation in the context of providing instances, referring to Sunnah throughout history to better understand Quranic verses, the moderate use of history in Quranic interpretation, lecturing while addressing the needs of the audience, providing detailed historical accounts to narrate important stories, and paying attention to the authenticity of the source and the occasion for its revelation, and the extent of its application in interpretation are among the most important reciprocal applications of interpretation and history from his perspective. In general, from the perspective of Ayatollah Khamenei, many of the historical narratives in the Quran can be interpreted and applied to the present day..

Keywords: History, interpretation, Quran, reciprocal impact, Ayatollah Khamenei.

* Email: sara.sh.heydari@gmail.com (Corresponding Author)

نقش و تأثیرات مطالعات تاریخی در تفسیر قرآن مبتنی بر تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| مهدی اسمعیلی صدراآبادی^۱ |

| سارا حیدری^{۲*} |

چکیده

تاریخ و تفسیر دو عنصر کلیدی و مهم در راستای فهم هرچه بهتر گزاره‌های قرآنی هستند. در این میان، تاریخ و تفسیری مدنظر است که دارای اعتبار باشد و در غیر این صورت موجب کج‌فهمی می‌شود. همچنین تفسیر و تاریخ دارای ارتباط متقابل بوده و در برخی موارد، داده‌های تفسیری به کمک تاریخ در راستای فهم بهتر آیات می‌آید و در برخی موارد نیز عکس این موضوع صادق است. این پژوهش درصدد است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به نقش و تأثیر متقابل پژوهش‌های تاریخی و تفسیر قرآن با تکیه بر نظریات تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیان تفسیر تاریخی در راستای بیان مصداق، رجوع به سنت به مثابه آشنایان به معارف قرآنی در طول تاریخ جهت فهم بهتر گزاره‌های قرآنی، استفاده معتدل از تاریخ در تفسیر قرآن، سخن گفتن طبق مقتضای حال مخاطب، بیان جزئیات تاریخی به صورت مفصل در راستای بیان داستانی مهم، توجه به صحت سندی و متنی سبب نزول و میزان کاربرد آن در تفسیر و... از مهم‌ترین کاربردهای متقابل تفسیر و تاریخ از دیدگاه ایشان می‌باشد.

واژگان کلیدی: تاریخ، تفسیر، تأثیر متقابل، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی حضرت نرجس (س) دانشگاه ولیعصر (عج)، رفسنجان، ایران.

*Email: esmaeili.sadr@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*Email: sara.sh.heydari@gmail.com

۱- مقدمه

در طول تاریخ اسلام، اغلب منابع تفسیری به شکل منظم و با توجه به ترتیب آیات قرآنی به شرح و تفسیر آیات می‌پردازند و به این دلیل که آیات الهی ناظر به رخدادهای زمان رسالت نزول یافته، اطلاعاتی با ارزش در مورد حوادث، روایات مردم، گروه‌ها و جریان‌های آن زمان دربر دارد. همین موضوع، مفسران نخستین را بر آن وا داشته که برای شرح و بسط آیات قرآن به سوی اخبار و گزارش‌های تاریخی روی آورده و با بهره‌گیری از آن‌ها درصدد تبیین بهتر و عقلانی آیات برآیند.

تفسیر آیات الهی به صورت معمول، در ابتدا با شرح واژه‌ها و بیان معانی نامفهوم مفردات و غرایب قرآنی آغاز شده و به مرور زمان به عرصه بیان اخبار کشیده شد. ارزش و اهمیت منابع تفسیری در مطالعات تاریخی از این جهت است که این نوع از منابع پیش از کتب سیره و معازی نوشته شده و نظریات تفسیری بسیاری از مفسران نخستین در آن‌ها راه پیدا کرده است.

از آنجاکه علم تاریخ و تفسیر، دو علم لازم و ملزوم یکدیگر هستند و یکی از مهم‌ترین ابزارهای مفسر برای تفسیر صحیح آیات قرآن کریم، داده‌های معتبر تاریخی است. این امر از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز مغفول نمانده و ایشان در مناسبت‌های مختلفی در تفسیر قرآن، به دانش تاریخ استنادهای راهگشایی دارند و نیز در نقطه مقابل، دانش تاریخ اسلام را مرهون تفسیر قرآن دانسته‌اند. در تفکرات معظم‌له نگرش دقیق و تحلیلی به تاریخ و وقایع آن در راستای درک درست تحولات بشری و مشخص شدن وضعیت موجود از جایگاهی اساسی و بنیادین برخوردار می‌باشد. ایشان در مطرح کردن بسیاری از موضوعات، در ضمن اشاره به وقایع تاریخی به بیان ابعاد گوناگون موضوع پرداخته و در نهایت با بیان افقی تاریخی به مخاطب، از این رهگذر به درک وضعیت موجود و بیان وظایف اقشار مختلف مردم می‌پردازند. از دیدگاه ایشان از جمله مسیرهای فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این عمل فراوان صورت می‌گیرد. «بنابراین در دیدگاه ایشان با شناخت تاریخ است که می‌توان «امروز» را به درستی فهم کرد و راه «آینده» را هموار نمود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۸ / ۶ / ۱۳۹۴).

در موارد بسیاری، ایشان در راستای تفسیر صحیح و تبیین دقیق آیات قرآن کریم، از داده‌های تاریخی استفاده کرده‌اند. همچنین در مواردی، تفسیر قرآن کریم را با بیان شأن نزول، سبب نزول، علم تاریخ جاهلی... تبیین کرده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده، پرسش اصلی پژوهش این است که نقش و تأثیر متقابل داده‌های تفسیری و تاریخی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است؟

۱-۱. پیشینه تحقیق

اسماعیلی صدرآبادی، مهدی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌های سیاسی تدبیر قرآنی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای»، دریافتند در اندیشه تفسیری ایشان، نظام سیاسی

مشروع، نظامی اسلامی از نوع شیعی است و براساس رهبری ولی فقیه با رعایت شاخص‌هایی مانند علمیت، ایمان و تقوا که به‌وسیله رهبر و حاکم جامعه هدایت شود و مسئولان، کارگزاران و مردم تحت رهبری چنین رهبر الهی، به رشد و تعالی رسند.

بوذری‌نژاد، یحیی (۱۳۹۷)، در اثر خود با عنوان «روش‌شناسی تفکر اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر روش تفسیر اجتماعی قرآن» دریافت است که همان‌گونه که اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای با محوریت شناخت و درکی عمیق‌تر از معارف اسلامی مورد توجه است، روش‌شناسی ایشان در علوم اجتماعی نیز ذیل روش تفسیر قرآن و توجه به تاریخ قابل توضیح می‌باشد. ایشان در به‌دست آوردن سنن الهی از جمله قوانین و سنت‌های اجتماعی قرآن، از روش تطبیق‌پذیری استفاده می‌کنند.

وحیدنیا (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «مبانی اصولی امام خامنه‌ای در تفسیر سوره ممتحنه» نتیجه گرفته است آیت‌الله خامنه‌ای در بیش‌تر مبانی اصولی «مبانی اصولی مشهور مطابق آخوند خراسانی را پذیرفته است»، در مبحث مفهوم دارای دقتی ویژه می‌باشد و مقوله‌های مفهوم شرط در تفسیر سوره ممتحنه و مفهوم وصف در این تفسیر جلوه بارزی دارد که تحلیل آن نیاز به دقت اصولی دارد. در مبحث حجیت ظواهر و ترجمه عبارت‌های عربی هم اهتمام خاص ایشان به قرائن لفظی و لبی محسوس است.

خلیلی‌زاده (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای علمی بازگشت به قرآن با تأکید بر راهکارهای تفسیری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» نتیجه حاصل کرده، راهکارهای معظم‌له برای این منظور عبارتند از: ارائه تفسیر صحیح و همه‌فهم از قرآن، ایجاد رشته‌هایی جهت ورود به عرصه تفسیر اجتماعی قرآن، اسلامی‌سازی علوم انسانی براساس مبانی قرآنی، ایجاد بسترهای لازم به‌منظور نظریه‌پردازی قرآنی در علوم انسانی و ایجاد آموزش و پرورش قرآنی. اما باید گفت در موضوع ارتباط‌های متقابل تفسیر و تاریخ از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تاکنون پژوهش مستقلی مشاهده نشده است.

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

در راستای فهم هرچه بهتر آیات قرآن کریم، آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به اهمیت موضوع فقه به این موضوع اشاره داشته که پرداخت بیش از حد به فقه نباید موجب غفلت از سایر علوم اسلامی شود. برای مثال باید دانش قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن به‌مثابه یک دانش مستقل و یک رشته در حوزه‌ها وجود داشته باشد. طلاب ما باید قرآن و یا حداقل بخشی از قرآن را حفظ کرده یا حد اقل با آن انس داشته باشند. چقدر مفاهیم اسلامی در قرآن وجود دارد که اگر خواسته شود در فقه بحث شود، به فکر آن‌ها نمی‌افتیم. این انزوای قرآن در حوزه‌های علمیه و انس نداشتن ما با قرآن،

برای ما بسیاری از مشکلات به وجود آورده و بعد از این هم خواهد نمود و به ما تنگ نظری خواهد داد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳/ ۴۱).

در ادامه ایشان به دانش تفسیر و تاریخ به مثابه دو بال برای فهم قرآن تأکید کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای، در زمینه اکتفا نکردن به حدیث در تفسیر، به نقش بی‌بدیل علوم دیگر مانند عقل، فلسفه، کلام، تاریخ و... در تفسیر قرآن اشاره داشته و تفاسیر روایی محض را این گونه مورد نقد قرار دادند:

«شما بعضی از این روایاتی را که در ذیل آیات آمده نگاه کنید؛ آقایان فضلاً همین فردا بروند نگاه کنند. تفسیری به نام تفسیر برهان و تفسیر دیگری به نام تفسیر نورالتقلین داریم؛ روایاتی که در معنا و شرح آیات قرآن وارد شده، در این دو کتاب و چند کتاب دیگر جمع می‌باشد. بروید نگاه کنید ببینید چند درصد قرآن به وسیله روایات اهل بیت توضیح داده شده است؛ یک درصد خیلی ضعیف. اگر بنا باشد ما بنشینیم تا برای فهم یک آیه قرآن حتماً یک حدیث پیدا کنیم، در معنای خود حدیث هم همین حرف می‌آید؛ ممکن است درست نفهمیده باشیم. به فرض هم که در معنای حدیث این شبهه پیش نیاید، لااقل این مطلب هست که خیلی کم است آیاتی که در احادیث مورد تفسیر و توضیح قرار گرفته» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۹).

۲- خدمت اثربخش دانش تاریخ به فهم آیات قرآن

رهبر انقلاب، در موارد بسیاری از نظریات تفسیری و علوم قرآنی خویش، به ارتباط‌های دانش تفسیر و تاریخ اشاره داشته‌اند.

۲-۱. اشاره به سنت‌های جاهلی تاریخی در راستای تفسیر آیات

عرب‌های جاهلی، از نظر اعتقادی دچار انواع و اقسام انحراف‌ها بودند که یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آن، بت و سنگ پرستی است. آنان سنگ‌های مختلف و به ویژه سنگ‌هایی که تحت تأثیر باد و باران به اشکال عجیب درمی‌آمدند، می‌پرستیدند (رک: حداد عادل، ۱۳۷۹: ۹/ ۵۱۳؛ سیدجوادی، ۱۳۸۰: ۵/ ۲۸۲). افزون بر این، بت‌های ساخته دست خویش را هم می‌پرستیدند (رک: مائده، ۹۰). بت‌های موجود در شبه جزیره عربستان به دو دسته قابل تقسیم بود: ۱. بت‌های خانگی که بت‌های ابتدایی و کوچک بودند و هر فردی بت مخصوص به خود داشت و آن را در خانه نگهداری می‌کرد و در جنگ‌ها با خودش می‌برد (کلبی، ۱۳۴۸: ۲۲-۲۳). ۲. بت‌های قبیله‌ای که یک یا چند قبیله همگی آن را می‌پرستیدند و این بت‌ها بسیار بزرگ بوده و در معابد نگهداری می‌شدند (کلبی: ۱۳۴۸: ۱۳-۲۸).

آیت الله خامنه‌ای در بیان مصداق «الحجارة»، در آیه ششم سوره تحریم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» دیدگاهی را بیان کرده است که مقصود از سنگ در اینجا، بت‌های سنگی است که کافران آن را عبادت می‌کردند (خامنه‌ای، بی‌تا: ۱۴/۱۶). در حقیقت در اینجا آیت الله خامنه‌ای، به سنت جاهلی پرستش بت‌ها اشاره نموده و از داده‌های تاریخی پیش از نزول قرآن برای تفسیر آیه موردنظر بهره گرفته است. از این‌رو به منظور فهم بهتر آیات قرآن کریم، یکی از علوم موردنیاز، شناخت نسبی تاریخ و شرایط همه‌جانبه اعتقاد و اجتماعی دوران جاهلیت می‌باشد.

۲-۲. بیان مصداق تاریخی در استدلال توحیدی

از جمله ارتباط‌های تاریخی و تفسیر در استدلال‌های رهبری، بیان مراحل استدلال از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد. در این زمینه ایشان مراحل گام به گام در راستای استدلال توحیدی را مورد انتظار دانسته است. بدین مفهوم که به مقتضای زمانی، مکانی و مخاطب، معارف الهی برای مشرکان و بت‌پرستان بیان می‌شود. از دیدگاه ایشان، حرکت نخست حرکت احساسی و عاطفی است، نه حرکت استدلالی و مصداق تاریخی آن برخوردهای عاطفی پیامبر (ص) با مشرکان می‌باشد:

«در وهله نخست، حرکت، حرکتی احساسی و عاطفی می‌باشد. در وهله اول این است که ناگهان فریاد می‌زند: «نگاه کنید به این بت‌ها و ببینید که این‌ها ناتوانند!» در وهله نخست می‌گوید بنگرید که خدای تعالی واحد است: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا». به چه علت «لا اله الا الله» موجب رستگاری می‌باشد؟ اینجا کدام استقلال عقلی و فلسفی وجود دارد؟ البته در اثنای هر احساسی که دارای صدق، برهانی فلسفی نهفته است، اما بحث بر این موضوع است که نبی زمانی که می‌خواهد دعوت خویش را آغاز کند، استدلال فلسفی مطرح نمی‌نماید؛ بلکه احساس و عاطفه صادقانه را مطرح می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۴۰۴).

در تحلیل بیانات آیت الله خامنه‌ای باید گفت این اصلی روان‌شناسی و عاطفی می‌باشد که بنابر شرایط و مقتضیات خاص، باید دعوت استدلالی صورت پذیرد. نخستین مرحله دعوت این است که با تحریک احساسات، دعوت توحیدی بیان و مطرح شود و این بدین معنا نیست که تا انتها همین شکل از دعوت وجود داشته باشد. در ادامه می‌تواند استدلال منطقی، جای احساسات و عواطف را بگیرد و این موضوع را به وضوح می‌توان در سیر آیات مکی و مدنی دریافت. در سوره‌های مکی، به خصوص سوره‌های نازل شده در اوایل نزول، بیش‌تر جنبه‌های انذار و هشدار به چشم می‌خورد؛ اما در سوره‌های مدنی، بیش‌تر جنبه استدلالی، بیان احکام، بیان قصص و... مشاهده می‌شود (دولتی، ۱۳۸۴: ۷۳؛ احمدی، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۵). از این‌رو مقتضای دعوت در این است که حال

مخاطب در آن رعایت شود و این موضوع در مطالعات تاریخی و تفسیری دارای اهمیتی خاص بوده و این اهمیت از دیدگاه رهبری مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۳. ضرورت بیان عبرت‌های تاریخی توسط قرآن

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، عبرت‌ها و امثالی که در قرآن کریم مطرح شده، با هدف بیان دلایل فراز و فرود تمدن‌ها است و عامل انحطاط جوامع را گناهان و کفر ایشان بیان کرده و اینکه جوامع کنونی این اشتباهات را مرتکب نشوند. در ادامه بیان داشته که بسیاری از این عبرت‌ها، در قرآن کریم بیان گردیده است که شاهد مثالی از آن، داستان مسجد ضرار می‌باشد که به صورت مفصل در قرآن کریم بیان شده است. طبق روایات شأن نزول، زمانی که پیامبر (ص) عازم تبوک بود، نمایندگان منافقان خدمت ایشان رسیدند و به بهانه اینکه پیران و بیماران آنان در شب‌های تار و بارانی نمی‌توانند مسافت میان خانه تا مسجد قبا را طی کنند، از او خواستند تا اجازه بدهد ایشان در محله خود مسجدی بسازند. پیامبر (ص) در مورد ایشان به صورت نفی و اثبات، پاسخی نداد و تصمیم نهایی را به بعد از بازگشت از سفر موکول کرد (سیحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ۴۵۸).

منافقان در غیبت پیامبر (ص) نقطه‌ای را در نظر گرفتند و با شدت هر چه بیش‌تر، ساختمان محفل را به نام مسجد به انتها رسانیدند. در برگشت از تبوک، چون رسول اکرم (ص) در «ذی اوان» فرود آمد و از قصد بانیان مسجد به واسطه وحی آگاهی یافت، «مالک بن دُخشم» و «معن بن عدی» را فراخوانده و به ایشان گفت: بروید و این مسجد را که بانیانش ستمگرند، ویران کنید و بسوزانید (طبری، تاریخ، ۱۲۴۱/۴).

ماجرای مسجد ضرار به تفصیل در آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه مطرح شده است. آیت‌الله خامنه‌ای، دلیل مفصل بیان شدن این داستان در سوره توبه را درسی که در این ماجرا نهفته، بیان داشته است و آن را ماجرای بزرگ و درس آموز دانسته که دارای نشانه برای انسان‌ها می‌باشد که فریب ظاهر دین‌داری را نخورند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۹۳).

از دیدگاه ایشان، زمانی که داستانی عبرت‌آموز در قرآن به تفصیل بیان می‌شود، انسان باید به دنبال دلیل این تفصیل باشد که چه هدفی در ورای آن نهفته است و این موضوع را می‌توان با تلفیق تاریخ و تفسیر به خوبی دریافت. اینکه مفسران ذیل آیات، چه نظریاتی در مورد ماجرای ضرار بیان داشته‌اند و مورخان چه داستانی را در این زمینه بیان کرده‌اند، به مقدار زیادی به هدف داستان رهنمون می‌سازد. در نقطه مقابل، برخی داستان‌ها به صورت مختصر و گذرا بیان شده‌اند. در ورای این داستان‌ها نیز اسراری نهفته است که به صورت ضمنی و گذرا نیز قرآن کریم به خوبی هدف هدایتی و عبرتی را بیان داشته است.

۲-۴. تفسیر تاریخی معصوم برای آیات قرآن

همراهی و همگامی اهل بیت (ع) با قرآن مجید، از عقاید اساسی شیعیان است و این همراهی نه تنها در ظواهر امر، بلکه در تمامی امور، خواه اعتقادی، عبادی، سیاسی و... به همدیگر پیوند خورده و جدا نشدنی می باشد. هر جایی که سخن از قرآن است، باید سخن از اهل بیت (ع) نیز باشد و بالعکس؛ چراکه براساس بیان مکرر پیامبر (ص)، این دو هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد و قرآن منهای اهل بیت، قرآن بدون روح است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۱۰۴ و ۹۲/۸۰، شیبانی، ۱۴۱۶: ۱۷/۳؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۲/۳۰۸، بیهقی، ۱۴۲۴: ۲/۱۴۸، آلوسی و ۱۴۱۵: ۶/۶۴۶).

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می نویسد: «منظور از همراهی اهل بیت با قرآن کریم، فقط معیت طبیعی نیست، بلکه مقصود آن است که در همه نشئه های وجودی، همراه و همسان یکدیگر هستند و هرگز از همدیگر جدایی نخواهند داشت؛ زیرا هر دو بر یک پایه استوار می باشند و بر یک اساس تکیه دارند. زیرا پیامبر اکرم (ص) چنین فرمود: آن دو، ریسمانی هستند که میان شما و خداوند کشیده شده است؛ تا هنگامی که به آن چنگ بزنید، دچار گمراهی نخواهید شد. یک طرف آن به دست پروردگار و طرف دیگرش به دست شماست. خداوند لطیف خبیر، به من خبر داد که این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد، مانند این دو انگشتم - تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند» (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۲۳).

از بیان رسول اکرم (ص) استفاده می شود که هدایت افراد و جامعه بشری بستگی به تمسک به قرآن و اهل بیت معصومین (ع) دارد و این دو از هم جدا نخواهند بود و تکذیب یکی در واقع تکذیب دیگری است و ضلالت و گمراهی به دنبال خواهد داشت. از این رو اهل بیت (ع) هرگز از قرآن جدا نشده و در پاسداری و حراست از آن نقش بسیار مهمی داشتند و در تبیین معانی و احکام تلاش کردند.

از دیدگاه آیت الله خامنه ای، اهل بیت (ع) دارای علم ویژه و خزانه علم الهی هستند. براساس حدیث ثقلین تفسیر و تبیین آن بعد از پیامبر (ص) برعهده امامان (ع) می باشد؛ بر این اساس اهل بیت (ع) ترجمان قرآن، مبین و مفسر سنت پیامبر خاتم (ص) هستند و بیان بخش بزرگی از معارف اسلامی که پیامبر اسلام (ص) فرصت بیان آن را نداشته اند یا بیانش را به زمان دیگری موکول کرده اند، برعهده اهل بیت علیهم السلام قرار داده شده است. امروز نیز همه افراد باید مهبای بهره مندی از اخبار و علوم اهل بیت عصمت (ع) در کنار قرآن و سنت پیامبر (ص) باشند و استعدادی که خداوند به آن ها عطا کرده است، در مسیر بهره مندی از این منبع بزرگ به کار بندند (خامنه ای، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

از دیدگاه آیت الله خامنه ای، اهل بیت (ع) قرین قرآن در طول تاریخ هستند و در حقیقت در راستای تفسیر صحیح معارف قرآنی، باید به ثقل اصغر که همان اهل بیت (ع) هستند، مراجعه کرد.

این موضوع به زمان خاصی محدود نمی‌شود و طبق روایات مطرح شده تا روز قیامت مرجعیت اهل بیت (ع) ادامه دارد. در حقیقت در اینجا حدیث ثقلین نقشه راهی است که مرجعیت حل ابهامات قرآنی را معرفی نموده و اهل بیت را به مثابه مفسران حقیقی کلام وحی معرفی کرده است.

۲-۵. توجه به شأن نزول و سبب نزول و نقش آن در فهم صحیح آیه

از جمله ارتباطات متقابل علم تفسیر و تاریخ، بیان شأن نزول یا سبب نزول آیات توسط مفسر است. شناخت سبب نزول به درک واقعه یا حادثه‌ای که به وسیله آن آیه یا آیاتی از قرآن نازل شده، کمک شایانی می‌کند. سبب نزول در اصطلاح مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، رویداد یا پرسشی می‌باشد که به اقتضای آن قسمتی (آیه یا آیات یا سوره‌ای) از قرآن کریم هم‌زمان یا در پی آن نازل شده است و به مجموعه آن رویدادها و پرسش‌ها «اسباب نزول» گفته شده است (سیوطی، ۱۴۱۷ق: ۱؛ ۱۰۰؛ زرقانی، بی تا: ۱/ ۱۰۷-۱۰۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۱۲۶ و بابایی، ۱۳۷۹: ۸).

شأن نزول معتبر، از قرینه‌های منفصلی به حساب می‌آید که در فهم صحیح آیه، دارای نقش است. با این حال نقش و کارکرد شأن نزول در فهم آیه و نیز تشخیص اعتبار شأن نزول‌های مطروحه، موضوعات بسیاری را به دنبال دارد که یک مفسر، پیش از فرایند تفسیر، باید جایگاه خود را در برابر آن‌ها مشخص کرده و مبنایی درست درباره هر کدام اتخاذ کند تا گرفتار افراط، تفریط و انحراف نشود. آن گروه از مواضع و مبانی آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه شأن نزول یا سبب نزول، بدین صورت است:

یک) تشخیص صحت و اعتبار

گام نخست در این حوزه، تشخیص درستی و اعتبار شأن نزول است؛ زیرا، مواردی زیاد از شأن نزول‌های بی اعتبار، غیر صحیح و انحرافی، در تفاسیر نقل شده است. سبب نزول معتبر سبب نزولی است که از نظر سندی و مضمون، شرایطی را که برای صحیح بودن روایات در دانش حدیث بیان گردیده، دارا باشد؛ چراکه مستندات تفسیر باید علم یا علمی باشد (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۱۵-۲۱۹). به خصوص که با توجه به کثرت اختلاف میان روایات سبب نزول، احتمال دخالت نظر و اجتهاد راویان یا جعل روایات اسباب نزول وجود دارد و در نتیجه در اعتبار میزان زیادی از روایات سبب نزول تردید وجود دارد. بنابراین در قرینه قرار دادن سبب نزول، به روایتی که دارای تواتر و یا محفوظ به قرائن قطعی یا دست‌کم دارای سند معتبر باشد، ترتیب اثر داده می‌شود و روایاتی که این‌گونه نباشد، بایستی به ظاهر آیات عرضه گردند و در صورتی که با مضمون آیه و قرینه‌هایی که در اطراف آیه وجود دارد، دارای سازگاری باشند، به آن‌ها می‌توان اعتماد کرد و در غیر این صورت کنار گذاشته می‌شوند. بدین ترتیب هر چند مقدار زیادی از روایات سبب نزول بدون اعتبار تلقی می‌گردد، اما باقی مانده دارای اعتبار و قابل اعتناست (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۳۷).

آیت الله خامنه‌ای خود به اعتبار نداشتن اکثر شأن نزول‌ها تصریح کرده‌اند. ازجمله مبناهای ایشان در رد آن‌ها، ضعیف بودن طریق نقل و غیرقابل اعتماد بودن راویان می‌باشد؛ همچنانکه ذیل آیه ۷۹ سوره توبه، در ضمن اشاره به شأن نزولی، بدین‌شکل آمده است: انسان اطمینان پیدا نکرده بدین‌صورت که آن‌ها نقل کرده‌اند؛ چراکه نقل‌ها حائز نقطه ضعف است و از افرادی یاد می‌شود که ما به آنان اعتقاد چندانی نداریم. نیز ذیل آیه ۶۴ توبه، این‌چنین می‌گوید: در مورد شأن نزول این آیه چند روایت وجود دارد، البتّه روایت از امام معصوم (ع) کم است و اغلب از مفسران صدر اسلام و آن‌ها که در مقوله‌های تفسیری سخنی دارند، می‌باشد؛ از این‌رو انسان اطمینان ندارد که از امام رسیده باشد و شأن نزول حقیقی باشد... و اکثر این شأن نزول‌ها که در این آیات است، بدان صورت صریح و مسلّم نیست...

آیت الله خامنه‌ای، با فهم عمیق، تنها به شأن نزول‌های حائز اعتبار توجّه داشته‌اند که هم دارای سند بوده و هم با مفاد آیه حائز تطابق و با دیگر مبانی قرآنی نیز دارای سازگاری باشد و بر شأن نزول‌های بدون اعتبار و انحرافی، خط بطلان کشیده‌اند. برای مثال، در مواردی بسیار همانند آیات نخست سوره توبه، به بیان شأن نزول صحیح پرداخته و از مفاد آن، در تحلیل آیه سود برده‌اند و در نقطه مقابل ذیل آیه ۱۱۴ توبه بر بی‌اساس بودن شأن نزول‌های مطرح‌شده از اهل سنت، - در حوزه ایمان ابوطالب - صراحت دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۲).

از مبانی تفسیری ایشان در تحلیل انتقادی ورد شأن نزول‌ها، توجّه به بی‌اهمیت بودن آن‌ها است، بدین‌سان که ارزش نزول آیه را ندارد. برای مثال، در ذیل آیه ۷۴، ازجمله شأن نزول‌های موجود در تفاسیر این است که در داستان نبرد تبوک، منافقی سخنی رانده که حکایت از تکذیب پیامبر (ص) داشت. حضرت او را احضار داشته و او انکار کرده، سوگند خورد که نگفته‌ام و سپس آیه نازل شد. مفسّر بزرگوار در رد آن این‌گونه می‌نگارد: این روایت که از طریق عامه و خاصه بیان شده، ما مدعی نیستیم که رد کرده یا بپذیریم، زیرا به میزانی مهم نبوده که آیه نازل گردد. حادثه‌ای سبب نزول آیه می‌شود که دارای اهمیت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۲).

دو) سودمندی

نکته قابل‌ذکر دیگر در پرداختن به شأن نزول‌ها، سود داشتن آن‌ها در فهم صحیح آیه است. از این‌رو در مواردی که آگاهی از شأن نزول، تأثیری در فهم آیه ایفا نمی‌کند، به آن بی‌توجّه کرده یا در حدّ اشاره بسنده کرده‌اند که شاهد آن را ذیل آیه ۱۱۴ توبه می‌توان یافت. ذیل آیه ۷۴ و به‌ویژه جمله «وَهُمْوَا بِمَا لَمْ يَنَالُوا» سه شأن نزول مطرح شده است. آیت الله خامنه‌ای بعد از رد شأن نزول نخست، درباره شأن نزول دوم، اظهارنظری نکرده و شأن نزول سوم را معروف‌تر دانسته و به‌شکلی

مفصل به بیان آن پرداخته است. این شکل از تعامل با شأن نزول‌های متعدّد در يك آیه، بیان دارنده چند نکته می‌باشد: نخست، اینکه برخی از شأن نزول‌ها، به دلیل بی‌اهمیتی یا ادله دیگر بی‌اساس هستند. دوم، اینکه در همین موارد یا موارد مشابه هم، اصولاً تبیین شأن نزول، به مقداری دارای اهمیت نیست که احتیاج به استدلال‌های طولانی در ردّ یا تأیید آن موجود باشد؛ چراکه در اغلب موارد، نه فهم آیه منوط بر آن است و نه به خودی خود مشکل‌آفرین است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۳).

سه) محدود نکردن آیه به سبب شأن نزول

از مبانی قطعی تفسیری مربوط با این بحث این است که هیچ‌گاه شأن نزول، نباید آیه را محدود کند، بلکه همواره عموم استفاده شده از لفظ معیار می‌باشد و شأن نزول تنها ممکن است به فهم آیه کمک کند: «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» (التمهید، ۱/ ۲۶۱). آیت‌الله خامنه‌ای به این مبنا کاملاً توجّه داشته و از این رو، حتی در برخی موارد در مرحله نخست، شأن نزول را بیان نمی‌کند که محدودیتی تلقی نشود، چنانکه ذیل آیه ۶۴ بیان داشته‌اند: این شأن نزول‌ها نباید مضمون آیه را محدود کند. با این حال در مرحله اول، شأن نزول را بیان نمی‌کنیم؛ زیرا ذکر آن ممکن است ما را ملزم نماید به اینکه آیه را طوری معنا کنیم که مقابله با شأن نزول باشد.

ذیل آیه ۱۰۲، مفسّر به این قاعده صراحت دارد و حتّی به همین علت، تعیین شأن نزول و بحث در این باره را کم‌اهمیت محسوب داشته‌اند. ایشان بعد از اشاره به دو شأن نزول بیان شده از ناحیه مفسران بیان داشته‌اند: ما کاری به شأن نزول نداریم، زیرا به تکرار بیان داشته‌ایم شأن نزول معنای آیات را مخصوص نمی‌نماید. نخست، اگر شأن نزول معنای آیات را مخصوص می‌نمود، باید قرآن با مرگ همان شأن نزول‌ها از میان می‌رفت، بلکه در زمان حیات ایشان (همچون ابولبابه) هم بی‌فایده و بی‌اثر بود. شأن نزول بهانه‌ای و جهتی دارد برای نزول آیه کریمه و مضمون آیه عام است. سپس به این نکته صراحت کرده‌اند که اغلب مفسران، آیه ۱۰۳ «حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» را هم بر همین مورد شأن نزول حمل کرده‌اند، یعنی درباره ابولبابه یا آن سه نفر متخلف از جنگ تبوک. سیاق آیات هم همین را تأیید نموده که اموال همین افرادی را که در آیه پیشین یاد شده بود، بگیر. اما در روایات، این آیه در راستای زکات و صدقه واجب مستند قرار گرفته است و در نتیجه، آیه، عام و شامل بر برخی از تمامی مؤمنان می‌گردد. سپس در مقام جمع‌بندی بیان داشته‌اند: اگر هم این آیه، در مورد همان افراد مخصوص باشد، باز هم آیه را تخصیص نداده و مشخص می‌شود که گرفتن صدقه از آن معترفان به گناهان، مصداقی از آن واجب کلی و عامی است که برای تمامی مسلمین وجود دارد (التمهید، ۱/ ۴۵).

این نکته، افزون بر بیان قاعده مذکور، بیان دارنده این است که هرچند سیاق آیات، مؤید شأن نزول‌های بیان شده باشد، لیکن باز هم نمی‌تواند مورد آیه را تخصیص دهد، چنانکه روایات نیز همین

نکته را تأیید می‌کند. همچنین ذیل آیات ۵۸ و ۵۹، با اشاره به یکی از شأن نزول‌ها، بیان کرده‌اند: بنده گمان می‌کنم که اگر این روایات نیز صحیح باشد... آیه محدود نمی‌شود به آن مورد و محدود به موضوع خاصی نمی‌گردد.

در کنار تصریح مفسر بزرگوار به قاعده مخصّص نبودن شأن نزول و منحصر نبودن مفاد آیه به موارد خاص، بر شامل بودن محتوایی آیه نسبت به اشخاص همه اعصار و از جمله زمان ما نیز تأکید داشته‌اند، چنانکه نمونه آن ذیل آیات ۸۱، ۸۲، ۹۴ و ۱۰۷ مشاهده می‌شود.

چهار) ردّ شأن نزول به سبب عدم مطابقت با آیه

ذیل آیه ۶۳ سوره توبه، پس از بیان شأن نزول آیه، تصریح کرده‌اند که شأن نزول آن با مفهوم آیه تطابق نمی‌کند. آنگاه می‌نویسند: اگر ما هیچ نقلی و حدیثی هم برای شأن نزول این آیه نداشته باشیم، از خود این آیه، شأن نزول در می‌آید... از این رو تطبیق نداشتن شأن نزول بر آیه، موجب بی‌اعتباری و ردّ آن می‌شود (التمهید، ۴۶/۱)

۲-۶. تطبیق تاریخی و تفسیری

اصل فراشمول بودن و جاودانه بودن قرآن و جریان‌پذیری بودن آن در زمان و قابلیت تطابق بر مصادیق و شرایط جدید، مستلزم این است که تمامی انسان‌ها بدون محدودیت زمانی، جغرافیایی، زبانی، نژادی و جنسیتی، مخاطب پیغام وحی و فرامین قرآن و هدایت‌پذیری از آن باشند و پیام‌های قرآنی را درک کنند؛ این خصلت قرآن که در روایات تبیین شده، به اصل جری و تطبیق مشهور می‌باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۱/۱۶۷). بسیاری از مفسران به این اصل تطبیق براساس زمان توجه کرده‌اند که از جمله آن‌ها آیت‌الله خامنه‌ای است. وظیفه مفسران قرآن، در ضمن تفسیر و تدبر در معارف قرآنی، بهره‌گیری از این اصل اساسی می‌باشد که ضمن تطبیق آیات به مقتضیات و رخدادهای هر زمان و جغرافیا، مقصود خداوند در مصداق‌های غیر سبب نزول را مشخص می‌کند؛ از این رو تطبیق، نه جزئی از عملیات تفسیر و نه در عرض آن است؛ بلکه ابزاری جهت استفاده از کلام وحی در آینده و بهره‌مندسازی مخاطبانی می‌باشد که در زمان نزول، حضور نداشتند. آیت‌الله خامنه‌ای از معدود مفسرانی است که ضمن تفسیر، به اصل مذکور فراتر از تطبیق‌هایی که اخبار مآثور از معصومان، بیان‌کننده آن هستند، توجه کرده و آن را پیاده‌سازی نموده است.

برای مثال در آیه نخست سوره ممتحنه: «بسم الله الرحمن الرحيم يا ايها الذين آمنوا» توجه حاضران در جلسه و به تبع آن، جامعه مسلمین را به خطاب قرآن جلب کرده‌اند که عامل اثرگذاری در درک بهتر پیام قرآنی می‌تواند باشد و مخاطب فعلی هم خود را در محضر قرآن یافته و با آن انس بیش‌تری پیدا می‌کند. ایشان با تطابق مفاد آیه به زمان کنونی و با تکیه به فرایند حکمرانی دینی می‌گویند: شما

معتقدید که احکام، قوانین و مقررات، ملاک‌ها و معیارها را نباید از شرق و غرب و یا از انسان‌های ناقص‌العقل و یا عرف و عادت‌ها بگیریم، بلکه بایستی از خدا بگیریم؛ دشمنان این را نمی‌پذیرند و مسخره می‌کنند. این‌ها را خرافات و ارتجاع دانسته و نیز شما معتقدید که نباید زیر بار ظلم و ستم و حکومت‌های جائر جهانی تحمیل آن‌ها رفت؛ ولو تنها بود، با تکیه بر خدا و توکل به او، زمانی که لازم شد، با این همه قدرت‌ها روبه‌رو شویم؛ آن‌ها این را قبول ندارند. شما تحمیل به انسان‌ها، مستضعفان و افراد جامعه را نمی‌پذیرید؛ اما ایشان اهل تحمیل بر جامعه هستند. در ادامه حکم الهی در مورد کفاری که تعرض و دشمنی نکرده، حتی اگر حرف مؤمنان را نپذیرند، بیان و معتقدند که مسأله ما، موضوع اختلاف اعتقادی نیست، بلکه تعرض و دشمنی به مؤمنان است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۹). ایشان نیز توجه به این نکته را ضروری دانسته‌اند که در زمان کنونی، دشمن فهمیده مهم‌ترین عامل وحدت مسلمین، ایمان اسلامی است و بهترین راه، گرفتن ایمان از ایشان می‌باشد؛ بدین جهت برنامه گسترده و درازمدت را آغاز کرده و موفق هم شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۳).

آیت‌الله خامنه‌ای با تطابق حال ملت مبارز ایران با آیه، بیان داشته‌اند: «امروز الحمدلله حماسه، شور و هیجان و مبارزه با تضرع و دعا و ابتهال و گریه برای خدا آشتی کرده‌اند و هر دو مکمل شخصیت انسان‌های این دوران شده‌اند و این همان نوع درست است که در صدر اسلام نیز رهبان‌اللیل و اسدالنهار داشته‌ایم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۷).

نیز اعتقاد دارند: «ما امروز نیز در جامعه خودمان داریم، در خارج از کشور خودمان هم داریم کافرینی که برحسب ظاهر، حتی ادعای دوستی نیز با ما می‌کنند؛ ولی از پشت خنجر می‌زنند و ما سوزش خنجر ایشان را که تا عمق وجودمان وارد می‌شود، احساس می‌کنیم و راه‌حل مشکل را این‌چنین بیان کرده‌اند که منتها چون خدا با ماست، از پای نمی‌افتیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۷۲). ایشان سخن حضرت علی (ع): «و الله لا أكون كالضبع تنام على طول اللدم» (نهج‌البلاغه، خ ۶) و تشابه اوضاع کنونی مملکت ایران با آن را بیان داشته‌اند: «ما هم گیج نیستیم؛ ما می‌دانیم که در جامعه خودمان و همین‌طور خارج از این جامعه، کافرانی که به ظاهر هم ادعای طرفداری و حمایت می‌کنند، چه ضربه‌هایی تاکنون زده‌اند و دارند می‌زنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۷۳).

ایشان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، این آیات را راهنمایی روشن برای سیاست خارجی کشور دانسته و حتی نسبت به سیاست داخلی و افرادی که گروه‌های محارب داخلی را با اقسام کمک‌ها، تقویت می‌کنند، تسری بخشیده و مشمول کلام وحی «فاولئك هم الظالمون» (ممتحنه، ۹) می‌دانند که ستمگر بودن ایشان، نشأت گرفته از اخذ سیاستی است که با سیاست الهی متضاد است و علیه سیاست یک اجتماع که می‌خواهد روی پای خویش بایستد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۷۳).

نکته درخور توجه اینکه ایشان در ضمن بررسی جامعه ایرانی پیش از انقلاب، آن را طاغوتی دانسته‌اند و با این تحلیل که انسان‌ها در آن، به دو گروه تقسیم شده بودند: گروهی که در مقابل استعباد طاغوت، مقاومت می‌کردند که ثواب الهی شامل ایشان است و گروهی دیگر که برده و تسلیم طاغوت بودند؛ هرچند که سرانجام خداوند جامعه را از تاریکی به سوی نور وارد کرد: «بُخْرِجْهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷)؛ آنگاه نتیجه گرفتند: «جامعه امروز ایران، از هر کسی اطاعت می‌کند، به عنوان اطاعت از خداوند است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۹۵) و با این بیان، مرز اصلی میان جامعه ایمانی و جامعه غیرایمانی را کلمه «شُرک و توحید» بیان داشته‌اند، نه کفر به خدا و این‌گونه توضیح داده‌اند: «ممکن است کسی خدا را قبول داشته باشد و شرک نیز بورزد؛ پس باید از شرک خارج شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۹۵).

ایشان در تفسیر آیه، حکم الهی به شرک نورزیدن را قانون فراگیر شامل زنان و مردان دانسته است. در راستای تطبیق تاریخی و تفسیری، خامنه‌ای به موضوع سقط جنین به صورت مصداقی اشاره کرده است. موضوع سقط جنین در دوران جاهلیت، به شکل کشتن فرزند تازه متولد شده خود را نشان می‌داد؛ اما در دوره کنونی در قالب‌های نوینی جلوه‌گر می‌باشد. آیت الله خامنه‌ای با تطبیق موضوع سقط جنین که برنامه شایع و استعماری در زمان کنونی است، به قتل فرزند تازه متولد شده در جاهلیت بیان داشته‌اند: «گاهی هم این بچه را در حال حمل به وسیله سقط می‌کشتند؛ یعنی سقط جنین می‌کردند. این را نیز بدانید که سقط جنین نیز قتل نفس است. سقط جنین با کشتن بچه زنده در دنیا تفاوتی ندارد... کشتن بچه، کشتن است. چه در رحم، چه در بیرون از رحم. از این رو این هم یکی از محرمات کبیره است که پیامبر اکرم (ص) این‌ها را نهی کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۹۹).

نتیجه‌گیری

آیت الله خامنه‌ای در مورد ارتباط متقابل داده‌های تفسیری و تاریخی، دیدگاه‌های مهمی دارند که در پژوهش حاضر بدان پرداخته و نتایج و دستاوردهای زیر حاصل شد:

- در برخی موارد، آیت الله خامنه‌ای مصداقی تاریخی در راستای تفسیر برخی آیات قرآن کریم را بیان داشته‌اند. تفسیر «حجاره» در آیه ششم سوره تحریم به بت‌ها، تفسیری تاریخی از آیه کریمه است که در آثار معظم‌له به این تفسیر تاریخی اشاره شده است.
- رجوع به سنت، به مثابه قرینه‌ای برای فهم آیات قرآن کریم مورد تأکید ایشان قرار گرفته است. وی سنت را بالی برای فهم هرچه بهتر جزئیات قرآنی دانسته و قرآن و سنت را به دلیل متن تاریخی حدیث ثقلین، به مثابه دو مقوله جداناپذیر دانسته‌اند.

- تاریخ و سنت در تفسیر دارای اهمیت بسیار است؛ اما این موضوع نباید حالت افراطی به خود بگیرد؛ موضوعی که وهابیت و سلفیه بدان دچار شده‌اند، اهمیت بیش از اندازه دانش تاریخ در تفسیر قرآن است که این موضوع موجب آسیب به اعتقادات صحیح اسلام گردیده و مورد نقد آیت‌الله خامنه‌ای در آرای تفسیری‌شان قرار گرفته است.

- از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در هر دوره تاریخی خاص بنا بر مقتضای حال مخاطب، باید معارف قرآنی بیان شود؛ شاهی برای این موضوع آیات مکی و مدنی و نیز سیر آیات نازل شده بر پیامبر (ص) می‌باشد که ابتدا با آیات بدون استدلال بیان شده است و در مراحل بعدی، استدلال‌های توحیدی بنا بر تغییر مقتضای مخاطب مطرح گردیده است.

- یکی از کاربردهای داده‌های تاریخی قرآن که مفسران نیز بدان توجه کرده‌اند، مبحث عبرت‌آموزی است که شاهد مثالی در این زمینه که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای بیان شده، ماجرای مسجد ضرار در راستای ترویج اندیشه‌های نفاق می‌باشد. ایشان بیان مفصل این ماجرا در قرآن به همراه جزئیات را درسی عبرت‌آموز برای تمامی نسل‌ها دانسته‌اند.

- از مهم‌ترین کاربردهای تاریخ در تفسیر، بیان سبب نزول آیات است. سبب نزول از دیدگاه رهبری دارای شرایط و ضوابطی می‌باشد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، محدود نکردن آیه به سبب نزول است. بدین مفهوم که سبب نزول حتی اگر دارای سند قوی باشد، اما باز هم مخصص آیه نخواهد بود. همچنین از دیدگاه ایشان، سبب نزولی سودمندی می‌باشد که به فهم آیه کمک کند و به همین دلیل بسیاری از سبب نزول‌ها به دلیل عدم سودمندی کنار نهاده شده‌اند. همچنین از دیدگاه ایشان، یکی از مهم‌ترین رویکردهای مورد نیاز در سبب نزول، تشخیص صحت سندی و محتوایی آن است که آیا دارای ارزش تاریخی است یا خیر؟ به همین دلیل، بسیاری از سبب نزول‌ها چون دارای سند و محتوای اصیل نیستند، از گردونه تفسیر آیات حذف شده‌اند.

- از ویژگی‌های مهم قرآن کریم، منحصر نبودن آیات آن به زمان و محدوده خاص است. این ویژگی موجب شده تا آیت‌الله خامنه‌ای، برخی آیات قرآن کریم را به انقلاب اسلامی ایران و زمان کنونی تطبیق دهند و قوانین قرآنی را فراگیر بدانند.

منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع من المثنائی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. احمدی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). پژوهشی در علوم قرآن. قم: فاطیما.
۵. اسماعیلی صدرآبادی، مهدی و همکاران (۱۴۰۱). «ظرفیت‌های سیاسی تدبیر قرآنی در منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)». پژوهشنامه فقه و علوم اسلامی. ۱ (۲).
۶. بابایی، علی‌اکبر؛ حاصلی ایرانشاهی، رحیم (۱۳۹۴). بررسی اعتبار سبب نزول و سیاق و تعامل و تعارض آن دو در تفسیر. آموزه‌های قرآنی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. (۲۱)، ۳-۲۶.
۷. بابایی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۹). روش شناسی تفسیر قرآن کریم. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. بوذری‌نژاد، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تفکر اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر روش تفسیر اجتماعی قرآن، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۲۴ (۱۱۶)، ۱۴۷-۱۷۳.
۹. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق). سنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۹ق). سنن ترمذی. مصر: دارالحديث.
۱۱. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
۱۲. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۴۰۱). تفسیر موضوعی قرآن. قم: اسراء.
۱۳. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۹). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۱۴. حسینی قزوینی، سید محمد (۱۳۸۷). وهابیت از نظر عقل و شرع. قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر (عج). خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). تفسیر سوره ممتحنه. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. خامنه‌ای، علی (۱۴۰۱). تفسیر سوره بقره. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۶. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۹). نهج البلاغه: شرح هفت خطبه. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۷. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۳). مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در تفسیر سوره توبه. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
۱۸. خلیلی زاده، مرتضی و همکاران (۱۴۰۱). راهکارهای علمی بازگشت به قرآن با تأکید بر راهکارهای تفسیری از دیدگاه مقام معظم رهبری. قرآن و علم. (۳۰)، ۲۴۰-۲۶۰.
۱۹. دولتی، کریم (۱۳۸۴). تقسیمات قرآنی و سورمکی و مدنی. تهران: وزارت ارشاد.
۲۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی‌تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۱. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. سید جوادی، احمد؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۴۱۷ق). دایرة المعارف تشیع. تهران: نشر شهید محبی.

۲۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۱۷ق). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. شهسواری، حسین (۱۳۹۷). *درد مشترک*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم‌افزاری.
۲۵. شبانی، احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق). *مسند احمد بن حنبل*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۶). *قرآن در اسلام*. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. کلبی، هشام بن محمد (۱۳۴۸). *الاصنام*. تهران: نشر تابان.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). *امامت و رهبری*. تهران: صدرا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. وحیدنیا، حسین (۱۴۰۳). *مبانی اصولی امام خامنه‌ای در تفسیر سوره ممتحنه*. تهذیب الاحکام عن موالی الامام الرضا (علیه السلام). ۳ (۵)، ۶۷-۸۹.

